فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

عنوان مقاله: مطالعه تطبیقی صحنه شکار شیر در آثار دوره اشکانی وفرش دوره صفوی
دوره ۶/ شماره ۴ / زمستان ۱۴۰۱/ ص ۳۵- ۱۴

مطالعه تطبیقی صحنه شکار شیر در آثار دوره اشکانی وفرش دوره صفوی

هادی واصفی۱ و فاطمه شکاری۲

۱معاونت پژوهشی ناحیه یک آموزش و پرورش زاهدان (نویسنده مسئول)

۲ کارشناس ارشد فن آوری و برنامه ریزی نیروی انسانی ناحیه یک اموزش و پرورش زاهدان

چکیده

نقش شیر یکی از نقوش معنادار در میان هنر مندان ایرانی بوده است که در دوره هخامنش بیشترین استفاده از این نقش بروری بناها و ظروف و غیر... دیده میشوده است که نماد عظمت ،قدرت و شکوه ایران باستان بوده، در دوره اشکانی نیز به این روال و شکوه ادامه داده است و بر روی مهره ها و سکه ها و بناها آورده می شوده البته این نقوش از دوره اشکانی کم کم زوال خود را شروع کردو در دوره ساسانیان بیشتر بر روی طروف نقره ای نقوش شیر دیده می شود . بعد از دوره باستانی در دوره اسلامی با داغام حکومت اسلامی و برای تبلیغ از این دین اشکالی مثل شیر بیشتر جنبه مذهبی به خود گرفتندو برای بیان دین اسلام تلاش میمردند.در این دوره نقش شیر و نقش شکار شیر بیشتر بر روی منسوجات،فرش و ظروف نقره ای و مسی نقش می بندد . بنابراین در این پژوهش ما به بررسی نقش شیر و شکار شیر در دوره قیبل از اسلامی یعنی اشکانیان می پردازیم و آن را به تطبیق با دوره صفوی و نقوش شکار شیر در فرش این دوره در می آوریم تا از این طریق فرهنگ هنری ایران را بیان کنیم و هنر گذشته را در هنر مدرن و معاصر انروز نیز زنده نگهداریم . نتایج حاصل بیانگر اهمیت این نقش به عنوان مظهر شکوه و هنر ایران است که در سایه مقدسات ایران تجلی و نمود پیدا می کند.

واژگان کلیدی: شکار شیر ،اشکانیان،فرش دوره صفوی، نقش شیر

مقدمه

شیر همواره یکی از مهمترین عناصر صحنه شکار ،گفت وگیر و طرح های حیوانی است که البته حاوی معانی و مفاهیم عمیق اسطوره های و نماد بسیاری از خصوصیات برجسته انسانی نیز به شمار رفته است . بررسی آثار باستانی نشان دهنده ی تصاویر بسیاری از نقش شیر است. شیر پادشاه درندگان و حیوان پر قدرتی است که از دیرباز مورد توجه و هماورد دلاوران نامی ایران بوده است. قدمت نقش شیر در آثار باستانی دست کم به هزار سال پیش میرسد. تصویر این حیوان در هنر هخامنشی و نقش برجسته های تخت جمشید و شوش حک شده است .نقش شیر به عنوان نمود و نماد جایگاه مهمی در تزئینات هنر ایران قبل از اسلام و به ویژه دوره اسلامی را به خود اختصاص داده است این نقش در طول دوره های مختلف فرهنگ ایران مفاهیم خاصی را در برداشته و شاید قدیمی ترین مفهوم نمادین نقش شیر در نجوم مورد استفاده قرار گرفته است.نقش شیر از صفحه های شکار در دوره اشکانی بسیار اندک است و نقش شکار وشیر به منزله مظهر قدرت و شجاعت باقی مانده است.از این رو پژوهش فوق در جستوجوی نقش شیر وشکار در دوره اشکانی و مقایسه تطبیقی آن بر نقش فرش دوره صفویه می باشد.در این مجال به پرسش های زیر پاسخ داده میشود:

۱-آیا نقوش شیر در هنر دوران اشکانی بر نقوش شیر در دوره صفوی تاثیر گذاشته است؟۲-نقش شیر چه معنا در گذشته داشته و مفهوم ان در دوره اسلامی چه بوده است؟۳-شکار در فرهنگ وهنر ایران از چه جایگاهی برخوردار است ؟.پژوهش فوق بر اساس مطالعات کتابخانه ای و میدانی و بر پایه تحلیل توصیفی مطالب صورت گرفته است که در نتیجه به بیان اهمیت نقش شیر به عنوان نمادی از فرهنگ ایران ورشد آن در هنر دوره کنونی می پردازیم.

۲-۱بیان مساله:

از زمانهای بسیار قدیم، کاربرد نقش شیر در حالتهای مختلف، در ایران رایج بوده است .شیر مانند یوز، ببر و پلنگ، همیشه درکنار پادشاهان بوده و نماد سلطنتی و نشانهای از شجاعت، قدرت و عظمت قلمداد شده است .این نقش چه قبل از اسلام و در آیین مهر و میترائیسم، زرتشت و هنر دوره های هخامنشی ،اشکانی و ساسانی، چه بعد از آن، اهمیت آشکاری داشته است .در دورهٔ اسلامی نیز در بسیاری از هنرها از این نقش استفاده کرده اند. در زمان صفویه، اهمیت شیر به اندازهای بود که با وجود تحریم مجسّمه سازی، مجسّمهٔ آن را در امامزاده ها و روی قبر پهلوانان کار میگذاشتند ماهیت وجود نقش شکار بر فرش در دوره صفویه می تواند به دو دلیل عمده و البته کاملاً متفاوت باشد که یکی انعکاس تصویر بزم و جلال شاهانه در شکارگاه های درباری و قدرت نمایی شاهان بر روی فرش و دیگری بیان مفاهیم اساطیری و عرفانی صید و صیادی است که با تحقیقات انجام شده در فرش های صفویه، مفاهیم نمادین همواره بخشی از دلایل وجودی نقوش آن بوده است. از طرفی نقش فرش همواره تجلی ای از باغ و بهشت عدن برای ایرانیان بوده است .یکی از بسترهای مناسبی که این نقش با مهارت تمام در آن به تصویر درآمده، فرش این دوره است که بر اثر تشویق و حمایت شاهان صفوی در کمال فن و طراحی اجرا شده و به اوج ترقی رسیده است. شکار یکی از مضامین دیرین و بسیار مهمی است که در تاریخ هنر و فرهنگ ایران حضور داشته است پیوستگی و ارتباط شکار با دو مقوله پیکار و قدرت، موجب شده که به عنوان یکی از ملزومات و مرسومات فرهنگی و اجتماعی در طول تاریخ، به خصوص توسط حاکمان و متولیان قدرت به کار گرفته شود .این پدیده گرچه امروز، به اقتضای تحولات ناشی از مدرنیته و ایجاد سبک بسیار متفاوت زندگی با گذشته، جایگاه پیشین خود را از دست داده اما از اهمیت و موقعیت برجسته آن در زندگی، فرهنگ و هنر گذشتگان نمیتوان چشم پوشید .گواه این امر، آثار هنری فراوانی است که موضوع شکار را در طرح خود بازتاب داد ه اند

آن چه به شکار در تاریخ ایران، اهمیت داده و بارمعنایی و حتی گاه نمادین بخشیده، موضوعی است از این رو در مقاله فوق ما به بررسی نماد شیر در دوره اشکانی و آثار آن کرده ایم و نقش شیر و شکار را به عنواد نمادغنی از فرهنگ وهنر ایران بیان می نماییم و نمود آن را در نگاره های فرش دوره صفوی دنبال میکنیم تا با درک شرایط و ذهنیتی آگاه نسبت به فضای کلی حاکم بر نقش شیر درفرش صفوی متاثر از نمادهای گذشته و اشکانیان نمونه های مختلف آن را از جنبه های مختلف مورد تجزیه و تحلیل

قرارداد.تفاوت و اشتراک طرح و نقوش از منظر موضوع شکار و شیر مورد بررسی و مطالعه قرار میگیرد تا بتوان از این طریق شناخت هویت و اصالت آثار دوره اشکانی و فرش ایرانی و سیر تحول طرح ونمادها ونقش آن گام برداشت.

در زمینه نقش شکار شیر در ایران تا به حال پژوهش های بسیاری به عمل آمده و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی ن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده اند.نش شکار شیر طاهری(۱۳۹۰)در تحقیق بنام کهن الگوی شیر در ایران ،میانرودان و مصر باستان بیان کرد که برخی از نگاره های پرشمار شیر در فرهنگ ها و سبک های هنری ایرانی گرد آمده اند .مصریان نیز خدای بانوی جنگاورشیر سر،سخمت را می پرستیده اند .شیر آسمانی نشان تابستان است و سرشتی آتشین دارد.امروزه شیر با مرداد ماه همزمان است .در اخترشناسی برج شیر،خانه خورشید است و این در چنان درهم می آمیزند که نقش شیر و خورشید به نماد شاهنشاهی ایران بدل گشته برسکه وپرچم ایران می نشیند شیر گاو شکن را نماد آغاز کشاورزی پیروزی شاه بر دشمنان غلبه نیکی براهریمن دانسته اند آن را می توان نشانه ای از سپیده دم یا نوروز نیز دانست. علاوه بر آن دادور(۱۳۹۰) در مطالعه تطبیقی نقش شکار در هنر ایران باستان با هنر بین النهرینبیان می کند که در آثار هنری ایران باستان و بین النهرین هنرمندان صحنه های شکار را بنا برامکانات و شرایط اجتماعی ،فرهنگی و کاربردهای ویژه در قالب های کختلف هنری نظیر مهرها،نقوش برجسته ،نقاشی دیواری،ظروف سفالین و فلزی و .. به تصویر کشیده اند.با توجه به مطالعات تطبیقی صحنه های شکار در ایران باستان و بین النهرین می توان نتایج را ذکر کرد:

این کهن الگو تقریبا در هر دو منطقه با مفاهیم نمادین مشابه به کار گرفته شده و جایگاه نمادین خود را حفظ کرده است .از معانی نمادین این نقش می توان به تغییر فصول، پیروزی نیروهای خیر بر شر، نمایش قدرت و عظمت پادشاهان و توانایی آن ها در غلبه بر دشمنان و تأ ییدمقام پادشاهی، نمایش نمادی صور فلکی اشاره کرد. تصاویر شکار در هر دو تمدن بیشتر مختص پادشاهان و در جهت نمایش قدرت و عظمت آنان و همچنین تأ ییدمقام پادشاهی آنان بوده است.

عابد دوست(۱۳۸۷)مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه تطبیقی با هنر بین النهرین را مورد بررسی قرار داده است که بیان می گند نماد شیر ازجمله نشانه های کهن سرزمین ایران است واز رایج ترین نقوش به کار رفته بر روی مهر ها، ظروف، سلاح ها، نقش برجسته وحجاری هاو احجام سه بعدی است .از معانی نمادین این حیوان می توان، تابستان، سلطنت، قدرت ونیروی الهی، محافظ ودور کننده ارواح و شیاطین، صورت فلکی و باروری را نام برد .این نشانه درایران، به شکل الگوهای متفاوتی ظاهر شده و ارتباط پیوسته ای با مفهوم طلسم گونه این حیوان ، درحفاظت از عناصر شر دارد .اعتقاد به صور فلکی و تاثیرات آن در زندگی، در گسترش این نماد تاثیر به سزایی داشته است .از طرفی این نشانه، خاص منطقه ایران در دوران باستان نبوده ودر تمدن باستانی بین النهرین نیز با مفاهیمی مشابه نود داشته است .آنچه روشن است، نماد شیرهمچنان تا دوره های متاخرتر جایگاه خود را حفظ کرده است..بنابراین پژوهشگران به مفاهیم شیر و نمادهای آن در بین النهرین و ایران پرداخته اند که نشان از ریشه این نقش فراتر از مرزهای ایران بوده است.

جایگاه شیر ونقش آن در ایران

شیر در اساطیر ایران

قدرت و هیبت باشکوه شیر باعث شده است از روزگار باستان او را با ایزدان و پادشاهان پیوند دهند؛ به گونه ای که صفت شیروش به ایزدان وایزدبانوان اختصاص داشت .نزد ایرانیان، شیر نماد ستارۀ هرمز(مشتری)و نمایۀ آتش و خشکی است. در هفت مرحلۀ سیر و سلوک آیین میتره(مهر)نیز مقام والایی دارد(فرخزاد۱۳۸۶،۱۳۸) مهرپرستان هفت پایه یادرجه داشتند که به ظاهر از سیاره های هفتگانه گرفته شده بود .کلاغ از طرف عطارد، داماد از طرف زهره، سرباز از طرف مرّیخ، شیر از طرف مشتری، پارسی از طرف ماه، پیک مهر ازطرف خورشید، و پدر یا پیر از طرف زحل حمایت میشدند. این مراحل به ترتیب طی میشود و سرباز -که دوران جانکاه آموزشهای جنگی را گذرانده و در بلندای قدرت جسمی وتوانمندیهای روحی قرار دارد -به مرحلۀ شیر پا میگذارد وشایستگی رسیدن به مقام شیرمردی را مییابد؛ حیوانی که هرگز به مردار دهان نمیآلاید و شکارگری بسیار تواناست. هنگامی که پیروان به این مقام نائل میآمدند، در شمارنزدیکترین یاران میتره قرار گرفته، شیرمهر (شیرخدا)نامیده میشدند.

از سویی، شیر نشان قدرت، حرارت و سوزندگی و از سوی دیگر،نمایهٔ پاکی، دلیری و آمادگی برای جانبازیهای آرمانی است . درمهرابه ها، شیرمردان دستهای میترا به شمار میآمدند .وقتی خال چلیپا بر پیشانی یا دست آنها نقش میشد، اجازه مییافتند دشمنان میترا و پیمانشکنان را با آذرخششان مجازات کنند. به نظر میرسد کوروش کبیر هم در آغاز راه یکی از همین شیرمردان میترا بوده و برای پاکسازی بخش بزرگی از گیتی ازنابکاران و اهریمن منشان، سر برافراشته است(همان، ص572.) یکی دیگر از مفاهیم اسطورهای نقش شیر، وجه کنایهای آن ازفصل تابستان است .از نظرگاه تقسیم فصلی، سال اوستایی به دوفصل بزرگ تقسیم میشد :تابستان و زمستان .نقش گاو به فصل زمستان اشاره دارد، و شیر کنایتی از تابستان است .در یکی ازنقوشی که از ایام کهن بهجای مانده، شیری در پیکار بر گاوغالب شده است .چنین نقشی نشان سپری شدن زمستان است. در روایتهای اساطیری، میترا(خورشید)نیز بر گاو غلبه کرده،او را میکشد(رضی، 1371 : ۵۶) بنابراین، شیر در حال نبردبا گاو میتواند نمادی از میترا نیز قلمداد شود.

در نوشتارهای اساطیری از جمله «گیلگمش »، شیر موجودی خداآفریده و از نیروهای الهی است؛ اغلب نماد قدرت و شجاعت است و شکار و غلبه بر آن نشانهٔ پهلوانی و مردانگی است؛ تاآنجا که تنپوش اختصاصی گیلگمش از پوست شیر بوده است(عبدالهی، 548:1381).

از بین معانی نمادین این حیوان می توان به آتش، ابهت،پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، تابستان، دلاوری، روح زندگی،درنده خویی، شلطان جانوران، سلطنت، شجاعت، عقل، غرور،فکر، قدرت الهی، قدرت نفس، مراقبت، مواظبت و نیروی ابرانسانی اشاره کرد(دادو۱۳۸۵:۷۵).

اهمیت و جایگاه شکار شیر در فرهنگ و هنر ایران

شکار نزد ایرانیان از گذشته های دور تا به امروز، به دلایل مختلف حائز اهمیت بوده است .در دورا نهای اولیه و تا پیش از دوره کشاورزی و یک جانشینی، تنها منبع تأمین کننده غذا و حفظ حیات بشر از طریق شکار حیوانات صورت می گرفت .از این رو، شکار نقش بسیار مهم وحیاتی در زندگی انسا نها داشت و صحنه های شکار که در نقاشی های صخر های و دیوارهای غارها به جا مانده،نشا ندهنده این اهمیت هستند .با توسعه شهرنشینی، علاوه بر این که شکار به عنوان ابزاری جهت تأمین معاش به کارم یرفت؛ مفهومی سمبلیک و نمادین نیز یافت. در افسانه های بین النهرین، گیلگمش، مرد نیرومندی است در جست و جوی حیات ابدی؛ قهرمان و نگهدارنده گله ها و مغلوب کننده دیوان .وی، زمان زیادی مورد ستایش بوده و نقش آن به صور تهای مختلف از جمله در حال غلبه بر حیوانات بر روی بسیاری از آثار باقی مانده از تمدن مارلیک دیده م یشود.(گدار۱۳۵۸:۲۶) « درحجار یهای تخت جمشید نیزپادشاه یا قهرمانی شاهوار در حال پیکاری پیرو زمندانه با غولی اساطیری همچون شیر شاخدار، گاو بالدار یا شیردال، نقش گردیده اس(فریه ۱۳۸۶) همچنین بر مهرهای این دوره،نقش خدایگان ددان یا قهرمان شهوار در جامه پارسی، درحال یکه دو جانور وحشی را به قبضه قدرت خود درآورده، دیده می شود و غالباً حلقه بالدار یا نمودگار اهورامزدا بربخش بالایی صحنه نقش بسته است.(همان ۴۳) در مورد جایگاه شکار (که از لوازم آن سوارکاری وتیراندازی است) در ایران باستان، هردوت،مورخ یونانی،می گوید. تربیت در ایران باستان از پنج سالگی کودک شروع می شده و به بیست سالگی وی ختم می گشته است .این نوع تربیت شامل سه مرحله اساسی بوده است ». :سوارکاری، تیراندازی و حقیقت جویی(فریه۱۳۷۴،۱۱۳) در طول تاریخ ایران، برگزاری مجالس شکار تقریباً جزء جدا نشدنی تشریفات دربار محسوب می شده و ازجمله اهداف برگزاری آن توسط پادشاهان و حاکمان،آمادگی رزمی و بالابردن توان مقابله با تجاوزگران درکنار جشن و تفرج بوده است .ضمن این که آ نها در لوای این اهداف به تبلیغ سیاسی و ایجاد ترس و دلهره در دل دشمنان نیز م یپرداختند.(محبی۱۳۷۷،۱۰)هردوت نیزدر این باره میگوید :هخامنشیان شکار را مهم ترین مکتب برای تعلیم و تربیت و آموزگار حقیقی برای آموختن فنون جنگ، سحرخیزی، بردباری، تحمل سختی ها و آموختن نظم و تربیت به کودکان و نوجوانان میدانستند .اینان نبرد با جانوران را مقدس م یشمردند و معتقد بودند که شکارحیوان نیرومندی مانند شیر موجب انتقال قدرت و نیروی آن حیوان به شکارگر می شود.(کریمی۱۲۶۴،۲۷)

ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

شکار و شکارگری در جامعه پارتی نیز جایگاه و منزلتی والاداشت و نزد آنان مرد نجیب و آزاده، جنگجو و سوارکاری بود که وقت خود را در جنگ یا شکار می گذرانید صحنه های شکار میترا (الهه فروغ و روشنایی و عهد و پیمان) در نقاش یهای دیواری معبد دوراروپوس،متعلق به دوره پارتیان، گواهی است بر جنبه های معنوی شکار .این نقاشیها نشان می دهند که پس از انجام هرشکار، به شکرانه پیروزی بر جانوران زیان کار که باتأییدات خداوندی همراه بوده، مراسم قربانی و ضیافت برپا می شده است.(ورمازن ۱۳۸۰،۱۱۱).

:نقش شیر در پیش از اسلام:بررسی آثار باستانی نشان دهنده تصاویر بسیاری از نقش شیر است شیر پادشاه درندگان و حیوانات پر قدرت است که از دیرباز مورد توجه و هماورد دلاوران نامدار ایران بوده است .قدمت نقش شیر درآثار باستانی دستکم به سه هزار سال پیش بازمیگردد. تصویر این حیوان در هنر هخامنشی و نقش برجسته های تخت جمشید و شوش حک شده است همچنین، میتوان آن را بر بسیاری از ظروف و منسوجات ساسانی مشاهده کردبر برخی از مُهرهای اشکانیان و ساسانیان نیزتصویر شیر نقش شده است(ژوله، : 1384 :21.)

تصویر شماره(۱):نقش شیر در دیوارهای کاخ تخت جمشید مربوط به عصر هخامنش(ژوله ۱۳۸۸)

در ادوار گذشته تا کنون ،شیر نمادی از قدرت خاکی و زمینی و مظهری از شجاعت ودلیریست این نقش در طول دوره های مختلف فرهنگ ایران مفاهیم خاصی در برداشته وشاید قدیمی ترین مفهوم نمادین شیر در علم نجوم مورد استفاده قرارگرفته است.برج پنجم (درمنطقة البروج) به نام برج اسد است که با نقش شیر نمایش داده می شود . اما نقش شیر در ایران باستان نمادهای متفاوتی همچون فصول سال نیز بوده مثل نقش برجسته ای که در تخت جمشیداست که شیری که گاوی را می درد .که شیر نقش فصل گرمای تابستان وآغاز سال نو را دارد وگاو نماد فصل سرما وشبهای طولانی است . همچنین در ادوار گذشته شاهد تلفیق انسان با حیواناتی نظیرشیر ،گاو،عقاب وهمچنین تلفیق یک یا چند جانور با یکدیگریم که دراصطلاح باستانشناسی به آن گریفن می گویند که بیشتر نقش محافظ شهرها و معابد ونماد عدالت وقدرت بوده که برسردر ورودی دروازه هاومعابد قرار می دادند که اندام شیر دربسیاری از آنها دیده می شود از جمله دروازه کاخ آپادانا در تخت جمشید ومجسمه ابوالهل در مصر و... بطور کلی نماد شیر در ایران باستان وسایر تمدنهای دیگر نماد قدرت وشوکت زمینی بوده است ودر ارجمندی شیر پیش مردمان این بس که نام شیر را در هر زبان وهر سرزمین به کودکان خود می دهند وشاهان زیادی به نام لئو یا لئون یا اسد یا شیر یا ارسلان در تاریخ می بینیم (جوادی۱۳۸۸)

نقش شکار شیر در دوره اشکانی

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

:نقش شکار شیردر دوره اشکانی:

شکار در دورۀ اشکانی نیز همچون گذشته رواج داشته است . گریشمن در این رابطه مـی گوید:شـکار و شـکارگر در جامعـه پـارتی جایگاه و منزلت والاداشـت .در نـزد آنـان مـرد نجیـب و آزاد ،جنگجـو و سـواری بـود کـه وقـت خـود را در جنـگ یـا شـکار مـی گذرانید»(گریشمن ۳۱۴:۱۳۴۶)هرچند تصاویر بدست آمده با این مضمون از دوران بسیار کم و محدود هستند . عمـده تصـاویر بـه دست آمده با نقش شکار از این دوره مربوط معبد دراروپوس است .نمکونه ای بسیار ارزنده با این مضمون دیوارنگاره ای موسوم بـه میترا در نخجیرگاه است این تصویر میترا را سوار بر اسب در حالی نشان می دهد که به رو به روی خود می نگـرد و کمـان خـود را برای شکار کشیده است و ماری نیز در زیر پای او در حرکت است.

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر(۲)میترا در نخجیرگاه دوراروپوس،نمایش شکار شیر توسط شکارچی همراه باسایر حیوانات وحشی ،مربوط به عصر اشکانی

از تصاویر حاوی مفهوم شکار در این دوره ،مهری است که مردی سوار بر اسب را در حال شکار با یک نیزه نشان مـی دهـد .ماهیـت حیوان موجود در این صحنه شکار چندان مشخص نیست اما تا حدی به شیری برخاسته بر دو پا شباهت دارد.

تصویر(۳)نقش شکار شیر توسط شکارچی مربوط به عصر اشکانی (محمدفر۱۳۹۲)

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر(۴):نمایش لوح خشتی از شکار شیر مربوط به دوره اشکانی:منبع(موزه متروولیتن)

شیر از مهم ترین نمادهای هنر هخامنشی است .تخت شاه همواره پایه هایی بسان پنجه شیر دارد .تخت بزرگی که نمایندگان ساتراپیها در سنگ نگاره های نقش رستم به دوش دارد نیز چنین است .بر دیوارهای آپادانای شوش یک ردیف شیر غرّان نقش شد ه اند شیرهای سنگی نگاهبان در پارسه نیز حضورداشته اند.شمشیر زرین شاهی دسته ای از سر دوشیر داردزیباترین تکوک های هخامنشی از پیکرشیر شکل گرفته اندرویارویی دو شیر خشمگین از نمادهای رایج این دوران است در یک نمونه بسیارکمیاب سر دو شیر به هم پیوسته و یکی شده است یک اثر مفرغی دیگر سه شیر چرخان و چسبیده به هم را تصویر می کندشیرهای مفرغی کاربرد وزنه نیز داشته اند .یک نمونه یافت شده از ساتراپی لیدیه حدود 31 کیلوگرم(نزدیک به یک تالنت بابلی)وزن دارد. شیر را بسان محافظ بر دستبندها گردن آویزهای سنگی و آذی نهای لباس دوران هخامنشی نیز میتوان دید.

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر(۵)هخامنش(موزه ملی ایران)

تصویر(۶)جام هخامنش(موزه متروپولیتن)

آثار دوره اشکانی هنر پارتی جایگاه ویژه ای دارد در دورا-اروپوس صحنه های شکار متعددی در نقاشیهای دیواری و طرح های قلمی و گچبری های اشکانی به چشم میخورد.از آثار دوره ژارتها،می توان از شیر سنگی همدان خرابه های زرنج سیستان و چهارطاقی بدر نشانده در خوزستان را نام برد وبرخی آتشکده بازه هور در رباط سفید خراسان را نیز به زمان اشکانی نسبت می دهند.طول مجسمه شیر سنگی همدان حدود۵/۲متر ،عرض آن ۱۵/۱وارتفاع۲۰/۱ می باشد و نوعی محافظ برای معبد آناهیتا الهه آب و خورشید بوده است.کسروی تبریزی۱۳۸۷)

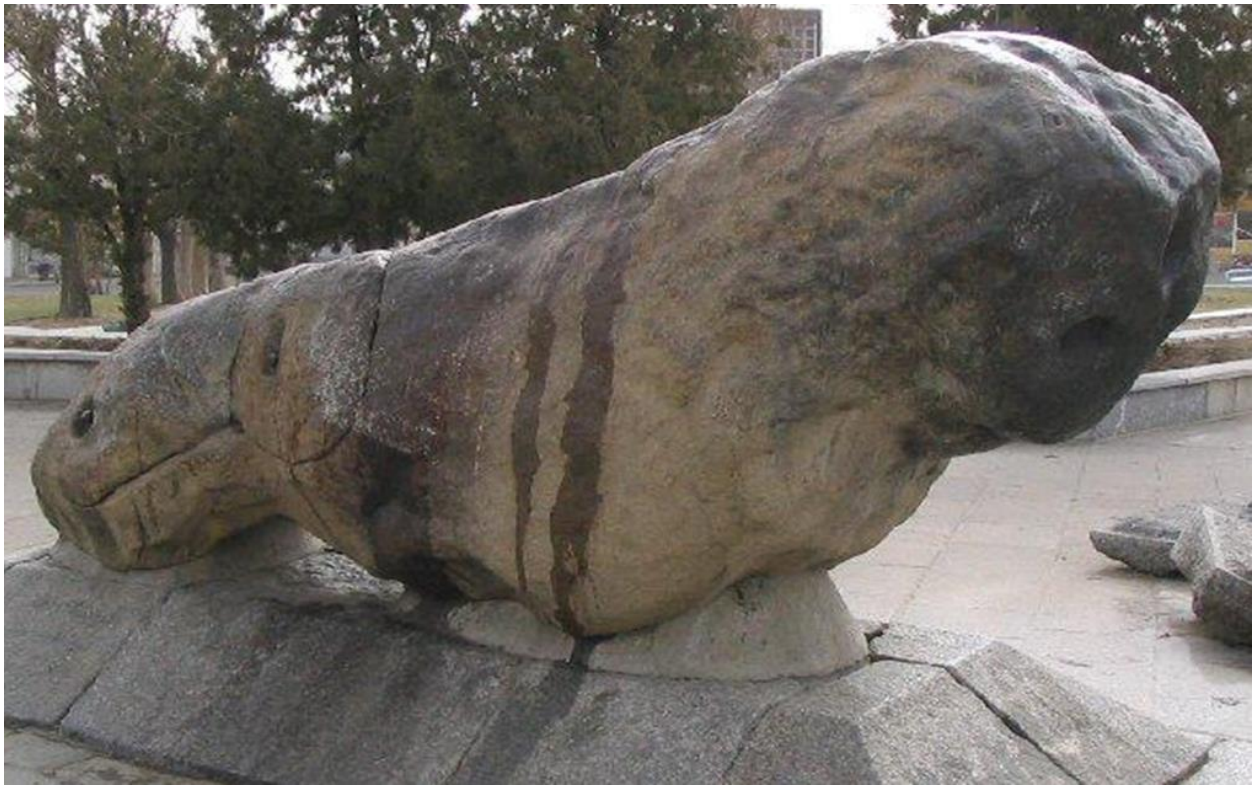

تصویر۶:شیرهای سنگی همدان مربوط به عصر اشکانیان،(صدر الدین طاهری۱۳۹۱)

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

شیر یکی از نمادهای مهری است که از جهات مختلف مرتبط با مهر و آیین میتراییسم شده و به عنوان نماد میترا،خورشید،آتش،ابدیت و به عنوان نگهبان در این آیین شناخته شده است.در اجتماعات آریایی ها می دانسته اند که بعد ها علامت پادشاهان ایران کهن بوده است ملل آن روزی جهان هم شیر با گاو در تحت جمشید قوت گرفته است بنابراین درحجاری تخت جمشیدکه شیر ،گاوررا میکشد در واقع به منزله فائق آمدن خورشیدیامهر است.پس دراینجا شیرهم به عنوان نماد مهر ظاهر می شود.بنابراین شیر به عنوان نماد خورشیدنیز مطرح می گرددهمچنین نشانه آتش نیز پنداشته شده است.در همین زمان از نمادشیر به طریق دیگر نیز استفاده می شده است و درجاهای مختلف معانی متفاوتی داشته است برای نمونه درجایی آمده «دربرخی از مهرابه ها..سرشیر اغلب به گونه ی سنگ نگاره رویت می شود.ازاین رو به احتمال نمادی از نوزایی است»مساله دیگری که مطرح می شود وجود آثاری است از نقوش شیر درحال حمله به حیوانی دیگر که اغلب در سنگ گورهاحک یا مجسمه های شیری است که در گورستان ها قرار داده شده است.نمادشیر را دراینجا می توان به گونه های مختلف ارزیابی کرد۱:مظهرمرگ و نیستی۲-نمادشجاعت و دلاوری۳-نمادی از ابدیت وجاودانگی۴- نشانه محافظ و نگهبان۵-به عنوان علامتی مهری برمزارمهرپرستانی که به مرحله شیر رسیده بودند.درباره نماد شیرجنبه ی تهاجمی داشته و جانورانی دیگر را می بلعد نمایانگر سلطه و قدرت مرگ استیز موجودات زنده و مفهوم نمادین مرگ رابیان میکند

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر۷:تندیس حمله شیر به گاو مربوط به اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی:منبع(حسامی۱۳۹۱)

شماره۸: بشقاب

مربوط به دوره اشکانی و اوایل دروه ساسانی از شکارشیر:منبع حسامی۱۳۹۱)

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر۹:سوارکاری در حال شکار موجودی شبیه به شیر(: محمدی فر۱۳۹۲،)

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر۱۱:نقش شیر و سوار:دیواره های آتشکده کوه خواجه مربوط به دوره اشکانی(منبع نگارنده۱۳۹۲)

نقش نمادین شکار شیر توسط یکی از فرمانده هان اشکانی و مبارزه آن با شیر درجهت غلبه به آن :این نقش در نمای کوه خواجه بر دیوارهای آتشکده و بعد کهن دژ کوه خواجه قرار گرفته است که در اثر عوامل محیطی از کم کم محو و از بین رفته است.این نمونه یکی از بارز ترین نمونه های نقس شیر بوده که تا به حال کمتر دیده شده و کمتر باتوجه به محدودیت این نقش در عصر اشکانی به آن پرداخته شده است.

نقوش و نمادهای پیش از تاریخ در دوران تاریخی با هنر اسلامی ادغام گردید درسایر آثار اسلامی نمود پیدا می کند.نمادشیر که نشان از قدرت و عظمت ایران باستان بوده دردوره اسلامی رنگ وبوی مذهبی به خود گرفت و مانند سایر نمادها که درجهت تبلیغ

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

دین اسلام نمایان گشت .یکی از جنبه های هنر اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگ هنر با مذهب است.محصول این ارتباط اندیشه و تفکری است که در آثار هنر اسلامی به وجود آمده که خود بیانگر هویت یک ملت است.نقش شیر در دوره هخامنش بیشترین استفاده را در تزیین دیوارها وبناها ایفا میکرده علاوه برآن روی ریتونها و تزیینات ظروف طلا استفاده گردیده است ،در دوره اشکانیان این نماد به اسالت خود ادامه داده ودر سکه ها ومهرها دیده شده است در اواخر دوره اشکانی برروی دیوارها و گچبریها و تزیینات صحنه های شکار بیشتر شکل خود را نمایان میکند ودر دوره ساسانی با نقوش کم کم از دیوارنگاره ها بر روی ظروف خودنمایی میکند وبشتر بیانگر داستان های روایی وصحنه های شکار است.این نماد با مفاهیم خود در دوره اسلامی شکل مذهبی بخود گرفته ونمود آن را تا دوره صفوی که اوج قدرت اسلام هست می بینیم.

۳-۱۳:نقش شیرو شکاردردوره اسلامی

در دورۀ ا سلامی، نقش شیر به منزلۀ مظهر قدرت و شجاعت باقی ماند؛ با هوشمندی خاص ایرانیان عملکردی جدید پیداکرد و به یکی از عوامل سنتی دین جدید تبدیل شد .به این صورت که حضرت علی(ع)به شیر خدا ملقّب شده، شیر به نمادی از شجاعت و شهامت او تبدیل شد ودر ادبیات این دوران نیز نمود یافت (خودی همان، ۱۳۸۵ : ص ۱۰۱/۱۰۰).....

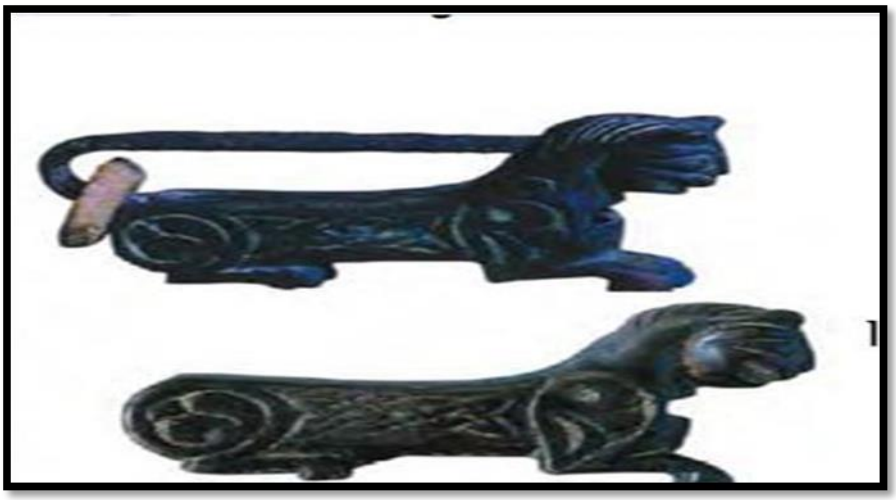

.تصویر۱۲:نقش شیردر دوره اسلامی،(حسامی و دیگران۱۳۹۱)

مولوی هم در دیوان شمس و هم در مثنوی معنوی از امام علی به عنوان شیر حق یاد میکند. در زیارت مطلقه امام علی در مفاتیح الجنان نیز از امام علی با عنوان شیر صحنه های کارزار یاد شده است.سلجوقیان نیز به نشان شیر اهمیت زیادی میدادند، این اهمیت در آثار هنری این دوره مشهود است، چنان که شیر و خورشید نیزدر این دوران دیده میشود. شیر در هنر دوران ساسانی و اسلامی به حیات خود ادامه داد، تقریبا تمام ویژگیها و نمادهای خود را انتقال داد، آمیزه های اعتقادی مذهبی اسلام نیز آنرا پذیرفت. در هنر اسلامی نیز صحنه شکار شاهی شیر، نبرد شیر با غزال یا قوچ، نقش شیرهای متقابل قرینه ـ که بیشتر نقش تزیینی داشتندـ و سایر حالتها، پذیرفته شد.شکل شیر، پیش از اسلام و پس از آن، مورد توجه قفل سازان بوده و برخی از بهترین قفلهای قرون اولیه اسلامی بشکل شیر ساخته شده است(تانولی، ۱۳۸۶ :ص۶۲). نقش شیر در دوران اسلام را میتوان در پارچه های آل بویه و در ادامه سبک پارچه های ساسانی دنبال کرد در این پارچه ها، معمولا دو شیر به منزله نگهبان و محافظ، در دو طرف درخت زندگی طراحی شده اند که به صورتهای مختلف نشسته، ایستاده، نیمرخ و تمام رخ و گاهی بالدار به تصویر در آمده اند(خودی، ۱۳۸۵:ص ۱۰۱).

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

باتوجه به مواردی که در باره نقش شیر و جایگاه آن به عنوان شکارچی درگفتوگیرهای دوره اشکانی بیان شد در این مجال آن را به بررسی نقش شیر دردوره صفوی در آورده ام تا به ارزش نقش مایه های اصیل ایرانی را بیان کنیم و این نقوش را در عصر جدید که نماد فرهنگ و هنر ایران هستند بازنمایی کنند.

نقش شکار شیر در فرش دوره صفوی

فرش عشایری با نقش محوری شیر

یکی از جالب ترین انواع فرش های ایرانی، فرش هایی موسوم به طرح ایلاتی) طرح ایلی) است که از قدیم ترین و اصیل ترین طرح ها در هنر فرش بافی ایران بوده است و محصول الهام و تأثیرپذیری فرش بافان بومی از طبیعت و محیط زندگی پیرامون آن هاست. از جمله ی این فرش ها، قالیچه هیای است که به نام قالیچه های شیری فارس معروف است و در زیر مجموعه ی فرش های عشایری ایران قرار می گیرد که زنان ایل قشقایی آن ها را می بافته اند و امروز کم تر دیده می شود و آن ها فرش هایی از این نوع را ببافند. سلطان جانوران، شیر، مرکز ثقل طرح و نقش اصلی این قالی هاست. ان ها شیر نر را نماد مناسبی برای بیان دلیری و مردانگی افراد ایل و رهبران خود دانسته اند، زیرا از شر ماده به تنهایی اثری در این فرش ها نیست، اما گاه اندیشه و نقش اصلی، یعنی شیر نر، با اندیشه های دیگری در نقش فرش تلفیق می شود و مثلاً یک یا چند ماده شیر به صحنه می ایند یا این که قلاده ای بر گردن شیر گذاشته شده یا آن که حیوانات دیگری مانند شتر، اسب و پرندگان، شیر نر را همراهی می کنند. همچنین طرح زمینه ی قالی همیشه یکسان نیست، مثلاً قالی شیری می تواند ترنج و لچک هم داشته باشد.برای درک ریشه های تاریخی این قالیچه ها، مسلماً هم جواری یا واقع بودن محل زندگی تیره ها و خانوارهای ایل قشقایی را در یکی از مهم ترین زیستگاه های باستانی شیرایران، یعنی دشت ارژن و کام فیروز در فارس، باید اصل قرار داد، چون راز هم بستگی این مردم و هنر آن ها با شیر، در همین مطلب و در رابطه ی آن ها با طبیعت پیرامونشان نهفته است. حتی با نگاهی گذرا به آثارگوناگون هنری ایران در ادوار مختلف، که در آن ها از تصویر یا نقش شیراستفاده شده (پرچم، سکه، نقاشی، تزیینات معماری، از جمله کاشی کاری و گچ بری، پیکرتراشی، حجاری، نقش برجسته، صنایع دستی و فرش (متقاعد خواهیم شد که شیر یکی از محبوب ترین و بادوام ترین موضوعات در اغلب هنرهای ملی ایران بوده است.

نقش شکارشیر درفرش دوره صفوی:

ماهیت وجود نقش شکار بر فرش در دوره صفویه می تواند به دو دلیل عمده و البته کاملاً متفاوت باشد که یکی انعکاس تصویر بزم و جلال شاهانه در شکارگاه های درباری و قدرت نمایی شاهان بر روی فرش و دیگری بیان مفاهیم اساطیری و عرفانی صید و صیادی است که با تحقیقات انجام شده در فرش های صفویه، مفاهیم نمادین همواره بخشی از دلایل وجودی نقوش آن بوده است. از طرفی نقش فرش همواره تجلی ای از باغ و بهشت عدن برای ایرانیان بوده است فرش های صفویه تحت حمایت و توجه دربار و به سفارش شاهزادگان و اشراف بافته می شدند،از نظرجنس (ابریشمی و زربفت و یا پشمی بسیار ظریف)رنگ(گیاعی و مرغوب)ابعاد (عمدتا بزرگ پارچه)و به ویژه طرح و نقش ،شکوهمند،فاخر و ظریف هستند.تکرار طرح،چندان به چشم نمی خورد و نمونه های به جامانده به جز مواردی که جفت بافته شده اند،و درنوع خود یگانه اند نقش مایه های شاخص در این دوره نیز می توان به گل های شاه عباسی ،اسلیمی ها درختان سرو،انواع حیوانات واقعی و خیالی از جمله شیر ،طاووس،سیمرغ و اژدها ،حیوانات ترکیبی و صحنه های شکار اشاره نمود(پور آرانی۱۳۸۸)

شیر در صحنه های گرفت و گیر

نقوش گرفت و گیر در اصطلاح، به صحنه های نبرد میان دو یا چند حیوان اطلاق میشود که در مقابل هم قدرت نمایی می کنند. آثار کهن فراوانی موجود است که از شکار شدن یک حیوان توسط حیوان دیگر حکایت میکند، آثاری که در بیشتر حجاریها، دیوار کاخها، ظروفهای فلزی و ابزار آلات و غیره، یکی از اصلی ترین موضوعهای هنری کهن را به خود اختصاص میدهد.بیشتر تصاویر این فرش شامل درگیری دو حیوان با یکدیگر است. بطور کلی ۹ صحنه گرفت و گیر بین حیوانات مختلف اعم از شیر، اژدها، ببر و

ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

کفتار مشاهده میشود که ۶ تصویر از آن به درگیری با شیر در صحنه های گرفت وگیر با موجود تخیلی، در نبرد با گاو، غزال و بز کوهی اختصاص یافته است.همچنین موجودی شیرنما با رنگی مشکی، شانه های شعله ور و دم منگوله دار به نحو بسیار زیبایی تصویر شده اند که جدا گانه به هر کدام میپردازیم(حسامی و دیگران ۲۲:۱۳۹۱).

۴-۱۷:شکار غزال:

در اولین ردیف از ۶ ردیف حیواناتی که در این فرش طراحی شده اند، خرگوش و روباهی نظاره گر صحنه ای هستند که شیر، غزال را شکار میکند. یک جفت خرگوش در گوشه سمت چپ فرش در حال گریزاند. شیر به غزال حمله برده و ران آنرا به دندان گرفته است، در حالی که دو حیوان در خلاف جهت یکدیگرند وغزال گرفتار به پشت بر روی زمین افتاده است شیر برای جلوگیری از آسیب رساندن به حیوان، پای آنرا با پنجه های خود مهار کرده است.هنرمند با ابداع شیوه جدید در طراحی این صحنه، از یک نواختی آن پرهیز کرده است، اوج هنر طبیعت پردازی را به نمایش گذشته است، گویی چنین صحنه هایی را از نزدیک شاهد بوده است. مشابه این صحنه را در پارچه هایی که از قرن ۱۰ بدست آمده است میبینیم.هنرمندان که وظیفه دارند باورهای مردم را در قالب هنر جاودان کرده با عینیت بخشیدن به اندیشه های آنها را ملموس تر کنند، برای نشان دادن چیرگی فصل گرما بر فصل سرما حیوانهای وحشی چون شیر و ببر که نمادی از گرما و تابستان هستند در حال قلبه و شکار حیوانی اهلی چون گاو و بز که نماد سرما هستند، نشان میدهند تل یاد آوری کنند که این نوع شکار نزد ایرانیان بسیار مقدس است.

تصویر ۱۳ :فرش دوره صفوی،صحنه شکاروشیر،موزه متروپولیتن(حسامی ودیگران۱۳۹۱)

۴-۱۸:حمله ی شیر از پشت به حیوان :

در ردیف دوم صحنه درگیری شیر و گاو، نبرد ببر و کفتار، و موجودی افسانه ای که به پایین نگاه میکند را مشاهده میکنیم. شیر از پشت به گاو وحشی حمله کرده است دو حیوان هم جهت هستند، شیر بر پشت گاو یورش برده، در حالیکه کمر گاو را به دندان گرفته و پنجه را در پشت حیوان فرو برده است. از اینگونه نقشها در هنر ایران فراوان دیده میشود در فرهنگ پیشینیان ما دیو، پری و اهریمن جایگاه ویژه ای داشتند.در بررسی نقوش مهرهای ایلامی این دیوها را میبینیم، دیوهایی که اغلب به شکلهای گاو یا شیر بوده اند و در پیدایش و آفرینش عناصر طبیعی دخالت داشته اند. گاهی هم آنها را در نبرد سهمگین با یکدیگر مشاهده میکنیم.

نمونه بارز دیگر، صحنه درگیری شیر در تخت جمشید است. عده ایی آنرا جدال نیکی و بدی یا خیر و شر میدانند، اما از آنجا که هیچکدام از این دو حیوان بد و اهریمینی نیستند چنین تعبیری درست بنظر نمیرسد. جدال شیر و گاو نقش است که از روزگاران قدیم ایران و هزاران سال پیش از هخامنشیان به یادگار مانده است. آثار پیروزی شیر یا گاو در نقش هیچ یک از این جدالها دیده نمیشود. شیر در نزد ماد ها و پارسی ها جلوه ای از جلوه های میترا یا مهر است که پس از اهورامزدا از گرامیترین فرشتگان به شمار میرود (پور عبد الله، ۱۳۷۷: ۱۵۷)

همین ویژگی ها را در تصاویری که طبق آن شیر بز زکوهی را شکار میکند دیده میشود. در اینجا گاو جای خود را به بز کوهی داده است. با مقایسه نقش برجسته تخت جمشید و تصاویر فرش مورد نظر ملاحظه میکنیم که درگیری شیر و گاو با آثار بدست آمده از هنر هخامنشی شباهت بسیاری دارد زیرا در هر دو مورد شیر شکارش را با پنجه و دندان دربر گرفته است. شکار هم که چاره ای جز تسلیم شدن ندارد تسلیم قدرت شیر است. ویژگی دیگر دو تصویر شکار غزال و بز کوهی این است که هر دو شکار با رضا و رغبت خود را تسلیم شکارچی کرده اند، حتی کوچکترین اثری از درد و ناراحتی در چهره آنها پیدا نیست. این ویژگی را در نگاره های دوران بعد از اسلام نیز میبینیم.آقای امیر حسینی در کتاب رموز نهفته در هنر نگارگری در این باره مینویسد :مسلمانان معتقدند اراده خداوند بالاتر از هر اراده ای است و آنچه باید به فرمان خدا باید انجام شود به حتما انجام خواهد یافت و هیچ قدرتی را توان رویارویی با امر نافذ پروردگار نیست. همچنین خداوند در جایجاه قرآن و سابر کتب مقدس از پیامبران می خواهد که بشیر و نذیر باشند و انسانها را از قوه قهریه و خشم خدا بیم دهند و از طرفی آنها را به بخشایش و مهربانی او امیدوار کنند. پس از انسان برای فرار از خشم و قهر خداوند چاره ای نمی بینند و جایی پیدا نمی کنند مگر باز به دامان پر مهر و عطوفت وی باز گردند و خویشتن را ببی چو و چرا تسلیم اقتدارش گردانند. پس در هنر نگار گری حیوانی که خود را با میل و رضا در اختیار شکارچی قرار داده یادآور انسانی است که حتی از قوه قهریه خداوند نیز به خود او پناهنده شده است تا در پناه حمایت پروردگار عیبها و ضعف هایش پوشیده و بخشوده شوند (امیر حسینی، ۱۳۸۷: ۵۴)

همچنین تاثیر هنرمندان نگار گر در هنر دوره صفویه و بویژه فرش انکار نشدنی است، چه بسا بسیاری از فرشها را همین نگارگران طراحی کرده باشند. پس بعید بنظر نمیرسد که تفکرات وعقاید آنان در ترسیم حیوانات طرحای فرش نیز رسوخ کرده باشد.(حسامی ودیگران۱۳۹۱:۲۳)

۴-۱۹:حمله ی شیر از روبرو به گاو

در ردیف پنجم این فرش صحنه حمله شیر از روبه رو به گاوی اهلی را میبینیم. باز هم شیر به پشت حیوان جهیده و آنرا به دندان گرفته است. بنظر میرسد طراح در بدن شیر و گاو را بدون تغییر تنها در مقابل هم قرار داده است. شیر یک پای خود را بر روی زمین قرار داده است و پای دیگر مانع حرکت و فرار گاو شده است.

این صحنه در هنر هخامنشی نیز نقش بسته است از جمله در ظرفی که در موزه شهر سنت سیناتی در آمریکا نگهداری میشود (کاسه ای از درکوهی یا بلور سنگی) .ترسیم عظلات نیرومند و پنجه های قوی و چنگالهای قرمز رنگی که به دقت و به وضوح در بدن گاو فرو شده تاکیدی بر خشونت و سبعیت صحنه شکار است. در فرشهای موزه لوور و تهران این صحنه تکرار شده است.(همان۲۴)

۴-۲۰:نبرد شیر با حیوان تخیلی

درمیان صحنه های گرفت و گیری که در این فرش بصورت واقع گرایانه طراحی شده اند تصاویری از صحنه های افسانه ای و تخیلی مانند شکار اژدها نیز دیده میشوند .همچنین درگیری شیر با حیوانی افسانه ای که حیوانی شبیه گاوها و سری همچون اژدها دارد جالب توجه است. در ا ین تصویر هنرمند سر اژدهایی را که در مرکز فرش قرار دارد تقریبا بدون تغییر بر روی بدن گاوی که در شکل ۷ دیدیم قرار داده و با تغییر در رنگ و شیوه طراحی دم حیوان آنرا از سایر حیوانات مجزا کرده است همچنین در طراحی هر دو جانور یال و دم و استفاده از شانه ای شعله ور و دم منگوله دار بسیار متفاوت از طرح های قبلی است و جنبه افسانه ای و فرا واقع گرایانه دارد. این ویژگی ها با تصئیر نگاره ای که از آن دوره بدست آمده قابل مقایسه است.صادقی بیگ ضمن تحذیر

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

نگار گران از تقلید خنده آور از استادان پیشین در ترسیم انسان و حیوان یادآوری میکند که درباره حیوان باید به شکلی هنرمندانه تقلید کرد او اقسام شکلهای حیوانی را چنین برمیشمارد: پرنده سیورغ، اژدهای اژد، شیر و گاو گنج یا گاو نگهبان سپس به نقش گرفت و گیر یعنی درگیری حیوانات در کشمکش را توسیف کرده اند به هنرمندان سفارش میکند، از سستی در ناگارش حیوانات بپرهیزند، آنها را گرم نبرد با یکدیگر نشان دهند و طرح ها را تکرار نکنند تا یکنواختی پیش نیاید. استفاده از این شکلهای حیوانی در کتابها از ابتکارهای مهم اوایل دوران صفویه بوده است و شاید به راهیابی این نقش مایه ها در هنرهای دیگر منجر شده باشد.دیدنی ترین نمونه های آنرا در کار نقاشان درباری برجسته ای مانند سلطان محمد میبینیم در میان آثار کتابی او نقش حیوانات گلاویز به اندازه نقشهای دیگر جاندار و زنده است. در این صحنه شیر بازهم از روبه رو به حیوان حمله کرده است و کمر او را به دندان گرفته و پنجه را در بدنش فرو برده است حیوان نیز متقابلا ران شیر را به دندان گرفته است عین این صحنه نیز در دگیر فرشهای دوره صفوی تکرار شده است (همان:۲۵)

۴-۲۱: شیر نشسته

تصویری از دو شیر نشسته نیز تاثیر این شیوه نقش پردازی در نگاره ها را بر طراحی فرش نشان میدهد. یکی از این دو شیر در گوشه سمت چپ فرش قرار دارد و دیگری در حالی که به صحنه روبربروی خود نگاه میکند در کنار صحنه نبرد اژدها و با رنگ مشکی طراحی شده است. در هنر دوران باستان بویژه هنر هخامنشی وساسانی اینگونه شیرها که روی دو دست خود نشسته اند فراوان ترسیم شده اند ام در هنر طراحی فرش دوره صفویه شیوه خاص تصویر سازی شیر کاملا متفاوت شده و نشان دهنده سازش کاری محثوث طراح یا بافنده گرفتار در تنگنای ابزار کار است نکته دیگر در این تصاویر چهره پردازی شیر است که کاملا شبیه به نقش برجسته های حجاریهای هخامنشی است در این حجاریها خط عنصری اصلی در نمایاندن اشکال است و هر خط به منظور نمایان شدن دقیق شکل بکار رفته است در طرح فرش نیز بینی پهن شیر و خطوط مشخص چهره یالهای مارپیچ دورد صورت و گوشها با الهام از این نقوش طراحی شده است.

تصویر۱۴:فرش دوره صفوی،صحنه شکاروشیر،موزه متروپولیتن(حسامی ۱۳۹۱

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

تصویر،۱۵-۱۶:نقش شیر درحمله به گاو،نقش مربوط به فرش دوره صفوی(حسامی۱۳۹۱)

تطبیق نقش شکار شیر در اشکانیان و نقوش فرش دوره صفوی

فصلنامه علمی تخصصی ایده های نو در علوم، مهندسی و فناوری ، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵-۱۴
ISSN: 2588-3984
http://www.Tajournals.com

جدول شماره (۱)مطالعه تطبیق نقش شیر در دوره اشکانی با فرش دوره صفوی

نقش شیردرحمله به مثل قوچ ،در دوره اشکانی و تطبیق با فرش صفوی 	
   تصویرشکارچی و مبارزه باشیر دردوره اشکانی و صفوی 	

نقش شیر درحمله به گاو در دوره اشکانی و صفوی

نتیجه گیری:

کهن الگو تقریباً در هر دو منطقه با مفاهیم نمادین مشابه به کار گرفته شده و جایگاه نمادین خود را حفظ کرده است .از معانی نمادین این نقش می توان به تغ یبر فصول، پیروزی نیروهای خیر بر شر، نمایش قدرت و عظمت پادشاهان و توانایی آن ها در غلبه

بر دشمنان و تأ یید مقام پادشاهی، نمایش نمادی صور فلکی اشاره کرد. تصاویر شکار در هر دو تمدن بیشتر مختص پادشاهان و در جهت نمایش قدرت و عظمت آنان و همچنین تأ یید مقام پادشاهی آنان بوده است.نقش شیر در دوره اشکانی نماد قدرت و عظمت شاهان بوده است و بیشتر در مکانهای خاص استفاده میشوده که مفهوم گرایی معنادار هنروفرهنگ را القا میکرده است در مطالعات تطبیقی با فرش صفوی نقش شیر در فرش، در باورها، اعتقادات دینی و اسطوره هایی ریشه دارد که با گذشت زمان به حیات خود ادامه داده و در نهایت، به یکی از نقوش اصلی در فرشهای حیوان دار تبدیل شده است .این نقش در قرون متمادی و بر اساس پیشینهای تاریخی، در هنر ایران تکرار شده است و در این فرش نیز نمودهایی ازآن را میبینیم .هنرمند در ترسیم شیر، از ترکیبهای متنوع و جالبی که نشاندهندۀ تسلط وی بر چگونگی حالتها و حرکات حیوان است، بهره برده ا ست .نفوذ هنرمند نگارگر نیز در طرح نقوش تأمل برانگیز است؛ تا جایی که حتی در مواردی، بین نگارگر و طراح فرش وحدت کاملی مشاهده میشود.

نقاط اشتراکی که در بحث تطبیق دست یافته شد:

۱-شیوه ای واقع گرایانه که جانور را و شکل دقیق ضبط گرده و چهره پردازی دقیقی از شیر دارد

۲-شیوه تخیلی وفراواقع گرایانه از شیر که بر اساس آن ،تصویر جزئیات به اندازه کافی روشن است

۳-شناخت کامل هر دو دوره درباره آناتومی دقیق حیوان ،قدرت عظلانی شیرها،سر زندگی،خشونت رفتار،درنده خویی،شور وهیجان حمله وری اینرا به وضوح نشان میدهد

۴-شیوه نمادپردازی و مفهوم گرایی در هردو تکنیک

منابع:

اتینگه اوزن، ری چارد، و احسان یارشاطر 1379 اوج های درخشان هنر ایران، ترجمۀ هرمز عبدالهی و روئین پاکباز،اگه،تهران

امیرحسینی،مرتضی(۱۳۸۷)رموز نهفته در هنر نگارگرس ،کتاب آبان ،تهران

پورعبداللع ،حبیب(۱۳۷۷)،تخت جمشید از نگاهی دیگر،بنیاد فارس شناسی،شیراز

پوپ،آرتور،آپهام و فیلیپس اکرمن(۱۳۸۷) سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد دوازدهم(فرش)،شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران

تناولی،پرویز(۱۳۸۶)قفل های ایران،بن گاه تهران.

خودر،الدوز(۱۳۸۵)معنای نمادین درهنر ایران،کتاب ماه هنر،ش۹۷

دادور ابوالقاسم(۱۳۸۵)در آمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان ،دانشگاه الزهرا تهران

رضی،هاشم(۱۳۷۱)آیین مهر و میترائیسم ،بهجت تهران

ژوله،تورج(۱۳۸۴)شناخت نمونه هایی از فرش ایران شرکت سهامی فرش ایران ،تهران

فرخزاد،پوران(۱۳۸۷)مهره مهر ،نگاه،تهران.